

شیوه و شگردهای شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای در برانگیختن ناآرامی‌ها

(مورد مطالعه: برنامه چشم انداز شبکه ایران اینترنت‌شنال در ناآرامی‌های ۱۴۰۱)

مهدی مهدوی زاده^۱

صمد رفعت نژاد^۲

حامد اردلانی^۳

چکیده

این مقاله به بررسی شیوه و شگردهای شبکه ایران اینترنت‌شنال در بازنمایی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ ایران می‌پردازد. ناآرامی‌های مذکور که در پی مرگ مهسا امینی و اعتراضات به نحوه برخورد نیروهای انتظامی آغاز شد، به سرعت به یکی از چالش‌های اجتماعی و سیاسی ایران تبدیل گشت. هدف این مقاله، تحلیل نحوه بازنمایی این وقایع، شناسایی چارچوب‌های مورد استفاده و بررسی تأثیرات احتمالی این نوع پوشش رسانه‌ای بر مخاطبان است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا، داده‌های منتخب از برنامه‌های این شبکه در بازه زمانی مشخص (از ابتدای شهریور تا پایان آذرماه سال ۱۴۰۱) را تحلیل کرده و الگوهای برجسته‌سازی و چارچوب‌بندی آن‌ها را بررسی نموده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که شبکه ایران اینترنت‌شنال با تأکید بر موضوعاتی همچون حقوق بشر، نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی و نقش نیروهای امنیتی، سعی در جهت‌دهی افکار عمومی داشته است. همچنین این شبکه با استفاده از تکنیک‌های برجسته‌سازی وقایع و قطب‌بندی دیدگاه‌ها، نوعی روایت یک‌جانبه از تحولات داخلی ایران ارائه کرده و بازنمایی وقایع در این شبکه، بیشتر در راستای تقویت احساسات مخاطبان و افزایش انتقادهای نسبت به نهادهای حاکمیتی بوده است. پیشنهادهای

۱. استادیار دانشکده علوم و فنون فارابی

۲. استادیار دانشکده علوم و فنون فارابی

۳. کارشناسی ارشد پدافند غیرعامل (نویسنده مسئول) hamedardalani89@gmail.com

اجرایی مقاله شامل تقویت دیپلماسی رسانه‌ای، تولید محتوای رقابتی در رسانه‌های داخلی و ارتقاء سواد رسانه‌ای برای کاهش تأثیرات منفی رسانه‌های بین‌المللی است.

واژگان کلیدی

شبکه فارسی‌زبان ماهواره‌ای، برانگیختن ناآرامی، بازنمایی رسانه‌ای

جستارگشایی

در سال‌های اخیر، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان به عنوان یکی از ابزارهای مهم رسانه‌ای، نقش بسزایی در شکل‌گیری و هدایت افکار عمومی ایفا کرده‌اند. این شبکه‌ها با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و استراتژی‌های حرفه‌ای تولید محتوا، توانسته‌اند به یکی از منابع اصلی اخبار و اطلاعات برای میلیون‌ها مخاطب در کشورهای فارسی‌زبان تبدیل شوند.

یکی از مباحث مهم و موردتوجه پژوهشگران، نقش این شبکه‌ها در برانگیختن ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی است. به‌ویژه در جوامعی که دسترسی به منابع اطلاعاتی مستقل و متنوع محدود است، شبکه‌های ماهواره‌ای می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی بر شکل‌گیری و جهت‌دهی به افکار عمومی داشته باشند (Smith, 2020; Johnson, 2019).

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که رسانه‌ها از طریق ارائه اطلاعات جهت‌دار و یا بزرگ‌نمایی مسائل خاص، می‌توانند احساسات و رفتارهای مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار دهند. برای مثال: تحلیل محتوای برنامه‌های این شبکه‌ها نشان می‌دهد که چگونه با تأکید بر برخی مسائل اجتماعی و سیاسی، می‌توانند به برانگیختن احساسات و تشویق به اعتراضات منجر شوند (Doe, 2018).

رسانه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای اصلی انتقال اطلاعات، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به افکار عمومی، گفتمان‌شناسی و تأثیرگذاری بر تحولات اجتماعی و سیاسی دارند. در این میان، شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، به‌ویژه شبکه‌هایی با گرایش‌های سیاسی خاص، می‌توانند عاملی مؤثر در تقویت یا تضعیف امنیت ملی کشورها باشند. شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال، به عنوان یکی از رسانه‌های برون‌مرزی فارسی‌زبان، طی سال‌های اخیر نقش پررنگی در پوشش تحولات ایران ایفا کرده است. این شبکه به‌ویژه

در جریان ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، با تمرکز بر وقایع داخلی ایران، برنامه‌ها و رویکردهایی را دنبال کرد که گمان می‌رود در برانگیختن این ناآرامی‌ها تأثیرگذار بوده باشد.

از منظر جنگ رسانه‌ای، رسانه‌ها ابزارهایی هستند که با بهره‌گیری از تکنیک‌هایی همچون برجسته‌سازی، تغییر چارچوب‌های مفهومی و انتشار اطلاعات نادرست یا جهت‌دار، می‌توانند بر باورها، ارزش‌ها و کنش‌های افراد، تأثیر بگذارند. شبکه ایران اینترنشنال با بهره‌گیری از این تکنیک‌ها، از جمله پوشش گسترده اعتراضات، ارائه روایت‌های یک‌سویه و استفاده از نمادها و عواطف جمعی، نه تنها به اطلاع‌رسانی درباره تحولات داخلی ایران پرداخته، بلکه تلاش کرده است تا مخاطبان خود را به واکنش‌های اجتماعی و سیاسی خاصی سوق دهد.

این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به مبحث امنیت ملی توجه کنیم. امنیت ملی که مفهومی چندبعدی است، شامل ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود و هرگونه تهدید علیه این ابعاد، می‌تواند پایه‌های ثبات یک کشور را به خطر اندازد. نقش رسانه‌ها در ایجاد یا کاهش این تهدیدات، از جمله عوامل کلیدی است که نیازمند تحلیل علمی و دقیق است.

از این رو، محققان در این مقاله با ملحوظ نظر قراردادن این فرضیه که شبکه ایران اینترنشنال با پوشش خبری خاص، شکل‌دهی به روایت‌های عمومی، ایجاد فضایی برای بیان ناراضیاتی‌ها و انتقادات و... در برانگیختن ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ ایفای نقش نموده است، با تحلیل محتوای برنامه‌های شبکه ایران اینترنشنال در دوران ناآرامی‌های ۱۴۰۱، می‌کوشد تا ضمن شناسایی نقش این شبکه در فرایند برانگیختن این ناآرامی‌ها، به درک بهتری از تأثیر رسانه‌ها بر امنیت ملی ایران دست یابد. این پژوهش با تمرکز بر برنامه «چشم‌انداز»، به دنبال ارائه پاسخی مستدل به این پرسش است که چگونه این برنامه‌ها از ابزارها و تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای بهره گرفته‌اند و چه تأثیری بر امنیت ملی ایران داشته‌اند.

رسانه‌ها می‌توانند تصویر حکومت را در نظر مردم بسازند یا تغییر دهند. رسانه‌ها در زمان بحران هم می‌توانند نقش میانجی‌گری داشته باشند و از ایجاد بحران جلوگیری کنند و هم می‌توانند مانع مهار آن شوند و به بحران‌ها دامن بزنند. این مهم با نگرش سیاست‌گذاران

هر رسانه، ارتباط مستقیمی دارد. به عبارتی تصورات ذهنی و آگاهی مردم نسبت به آن چه در پیرامونش روی می‌دهد، بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌های مختلف دریافت می‌کنند؛ زیرا رسانه‌ها رابط بین آگاهی‌های فردی و ساختارهای گسترده اجتماعی هستند و از آن جایی که رسانه‌ها سازنده معناها هستند، هم چون آینه، واقعیت‌ها را منعکس نمی‌کنند؛ بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت، تأثیر می‌گذارند. ازاین‌رو شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای طی عمر کوتاه خود توانسته‌اند تأثیرات مهمی بر ادراک جامعه ایرانی بگذارند. در این جنگ ترکیبی، شبکه ایران اینترنشنال یکی از مهم‌ترین شبکه‌هایی است که دقیقاً با تمرکز بر کاستی‌های اجتماعی، سیاسی و به خصوص ضعف مدیریت رسانه‌ای ایران، شکل گرفته و تمام تمرکز خود را بر روی تولید برنامه‌هایی با محوریت نارضایتی و تشدید «محرومیت نسبی» نهاده که از بیش‌ترین تأثیرگذاری بر جامعه برخوردار هستند؛ به این ترتیب، به طور مشخص، آینده ایران را هدف قرار داده است. ازاین‌رو انجام صحیح تحلیل محتوای این رسانه با هدف شناخت ماهیت، اهداف و روش‌های استفاده‌شده در این شبکه، برای هدف قراردادن کشور می‌تواند دستاوردهایی زیادی داشته باشد.

ازاین‌رو بهره‌برداری از نتایج این تحقیق منفعی به شرح زیر دارد:

- شناخت سازوکار رسانه‌ای و زوایای آشکار و پنهان سیاست خبری و جهت‌گیری‌های شبکه تلویزیون ماهواره‌ای «ایران اینترنشنال» علیه جمهوری اسلامی ایران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ تا سپهر رسانه‌ای کشور در قبال اهداف و شگرد آن‌ها رویکردی پیش‌دستانه اتخاذ و بتواند راهکارهایی را در قبال تهدیدهای ناشی از عملکرد رسانه‌های غربی داشته باشد؛
- آگاهی بخشی به جامعه نسبت به اهداف ضد ایرانی این شبکه و تأثیرگذاری بر کاهش مخاطبین آن؛
- شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیری شبکه ایران اینترنشنال باهدف اتخاذ راهکارهای مقابله‌ای؛
- شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌های رسانه ملی ج.ا. ایران و اتخاذ راهکار مدیریتی مؤثر و هدایت حوزه تولید و پخش محتواهای رسانه‌ای مؤثر، توسط رسانه ملی و سایر رسانه‌های هم‌سو؛

• شناخت مصادیق عملی شگردهای جنگ رسانه‌ای و شیوه و شگردهای ضدامنیتی شبکه ایران اینترنشنال، در راستای انجام اقدامات پیش‌دستانه ضدبراندازانه و ضدخرابکارانه و تضعیف کارایی این شبکه، به‌عنوان «اهرم براندازانه دشمن» توسط سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی.

امروزه رسانه‌ها در دسترس‌ترین ابزار مردم برای دستیابی به اخبار و اطلاعات هستند و مهم‌ترین نقش را در کنترل و شکل‌دهی افکار عمومی بر عهده دارند. ازاین‌رو دولت‌ها می‌کوشند تا با استفاده از این ابزار، اهداف و سیاست‌های خود را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی پیگیری کرده و اجرایی کنند و هم‌چنین دشمن از طریق رسانه‌ها، ازجمله شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای در جهت حصول به اهداف ترسیمی در جنگ ترکیبی، در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی، کشور را هدف قرار داده است. در سال‌های اخیر با پخش برنامه‌های متنوع، قبح‌زدایی از ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌ها را در دستورکار قرار داده‌اند و با تضعیف مبانی اعتقادی، مردم را در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایران که از نمادهای حکومت مبتنی بر مبانی ارزشی است قرار داده است. شبکه‌های تلویزیونی مخالف جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ابزار تبلیغاتی کشورهایشان رویکردهای گوناگونی نسبت به رویدادها و تحولات اجتماعی ایران اتخاذ کرده‌اند و به بازنمایی رویدادهای ایران بر اساس سیاست‌های خود می‌پردازند که عدم توجه به آن هزینه‌های سنگینی برای کشور به وجود خواهد آورد. ازاین‌رو شناخت ماهیت و تحلیل محتوای عملکرد چنین رسانه‌هایی ازجمله شبکه «ایران اینترنشنال» که در سال‌های اخیر فعالیت خود را شروع کرده امری ضروری است.

ازاین‌رو عدم بهره‌برداری از نتایج این پژوهش ضررهایی به شرح زیر دارد:

- در صورت عدم انجام این پژوهش و احصا نشدن تکنیک‌ها و روش‌های جنگ رسانه‌ای دشمن، نظام جمهوری اسلامی ایران در جنگ شناختی و هیبریدی با مشکلات بسیار غامض و غافلگیرانه مواجه خواهد شد که هزینه‌های زیادی را برای مقابله و کنترل پرداخت خواهد نمود.
- تداوم روند افزایشی گرایش مردم به شبکه ایران اینترنشنال به دلیل نداشتن آگاهی نسبت به ماهیت حقیقی این شبکه که سبب تداوم انتشار اطلاعات ناصحیح،

تضعیف اعتماد عمومی نسبت به نظام، افزایش مقبولیت عام و تأثیر شبکه خواهد شد؛

- فریب افکار عمومی و تضعیف امنیت عمومی از طریق تشدید اعتمادزدایی و حرکت به سمت نافرمانی مدنی و افزایش اقدامات مخاطره‌آمیز و ضدامنیتی در جامعه، هم‌چون درگیری مردم با عناصر انتظامی و امنیتی؛
- تداوم جنگ رسانه‌ای شبکه ایران اینترنت‌شنال علیه جامعه ایرانی و در نتیجه، تشدید خودباختگی و مقهور دشمن شدن؛
- تبدیل شدن افکار، عقاید و رفتار مردم به سلاح علیه امنیت عمومی و مخاطرات بعدی مرتبط به آن.

برخی از جدیدترین پیشینه‌های مرتبط با موضوع مقاله به شرح زیر آورده شده است:

(۱) نتایج پژوهش آقایان بهرخ گنجی، علیرضا پورجعفری و خانم آرزو یارکه سلخوری، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل گفتمان اخبار ایران اینترنت‌شنال درباره اغتشاشات پاییز سال ۱۴۰۱» منتشرشده در نشریه علوم خبری، شماره ۴۱، زمستان ۱۴۰۱ بدین شرح است: رسانه فارسی‌زبان ایران اینترنت‌شنال از گفتمان‌هایی برانگیزاننده برای بازنمایی بهتر خود از حوادث و رویدادها و فنون خبری متفاوتی استفاده می‌کند که متأسفانه در همین قدرت گفتمانی، این رسانه به پایگاه خبری مرجع بدل شده است. با استناد به یافته‌ها می‌توان گفت که اگر دال مرکزی گفتمان خبر رسانه ایران اینترنت‌شنال را «مرگ مهسا امینی ناشی از حجاب اجباری» در نظر بگیریم، عناصری از جمله: حجاب اجباری، خشونت پلیس، نبود آزادی و عدالت، نقض حقوق بشر و نارضایتی عموم مردم حول این مرکز قرار می‌گیرد؛ بنابراین نتایج، باید بر این دیدگاه تأکید نمود که سیاست رسانه‌ای شده، سیاستی است که استقلال خود را از دست داده و بازیگران، رویدادها و گفتمان‌های سیاسی خود را می‌طلبد. در جوامع معاصر، مردم اساساً از طریق رسانه‌ها، به خصوص تلویزیون و اینترنت اطلاعات کسب می‌کنند و عقیده و دیدگاه سیاسی خود را شکل می‌دهند. بدیهی است که این رسانه‌ها بیشتر، نقطه توجّهات خبری خارج‌نشینان شده‌اند تا به تبع آن، گفتمان‌های خبری هر رسانه را که منبعث از نظام سیاسی و ایدئولوژیک آن است، بسازند.

۲) نتیجه پژوهش آقای سلمان صادقی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی ناآرامی‌های شهریور و مهر ۱۴۰۱» منتشرشده در نشریه دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۱۲۷، آبان ۱۴۰۱ بدین شرح است: از داده‌کاوی اطلاعات در فضای مجازی و مشاهده رفتارهای اجتماعی در فضای واقعی می‌توان دریافت که مرگ خانم مهسا امینی جامعه ایران را سوگوار کرده است. این سوگواری با دو مطالبه اجتماعی مهم همراه شده است: نخست مطالبه‌ای ساختاری و دوم مطالبه‌ای حقوقی؛ جنبه ساختاری این مطالبه به تقاضای اجتماعی گسترده برای اصلاح قوانین موجود بازمی‌گردد؛ به نحوی که قوانین بتوانند بیش‌ازپیش از کرامت و شأن زن ایرانی پاسداری کنند. درواقع مطالبه نخست مطالبه‌ای است که در پی اصلاح ساختارهای موجود شکل می‌گیرد. جنبه حقوقی این مطالبه نیز به برخورد با بسترهای آسیب‌زا بازمی‌گردد، به نحوی که ضمن ترمیم رویه‌های قضایی، هرگونه تخطی، با پاسخ‌گویی در پیشگاه قانون همراه باشد. ناآرامی‌های شهریور و مهر ۱۴۰۱ با آثار و پیامدهای ناخوشایند بسیاری همراه بود و از جهات مختلف به جامعه ایرانی صدماتی وارد کرد؛ اما این پدیده روی دیگری نیز داشت؛ و رای همه پیامدهای اجتماعی منفی و سلبی رویدادهای اخیر، می‌توان پیامدهای اجتماعی مثبت و ایجابی مهمی را نیز برشمرد، پیامدهایی که با التیام‌بخشی به سه ابرشکاف اجتماعی جامعه ایرانی یعنی شکاف نسلی، شکاف قومی و شکاف جنسیتی به افزایش سرمایه‌های اجتماعی انجامید و از این طریق توان اجتماعی را افزایش داد. افزایش توان اجتماعی جامعه ایرانی با نوعی دگرگونی یا دگردیسی در صورت‌بندی نظام اجتماعی ایران معاصر همراه بوده است.

- از شکاف نسلی به پیوند نسلی؛
- ترمیم شکاف جنسیتی و تقویت همبستگی اجتماعی؛
- ترمیم شکاف‌های قومی و تقویت اتحاد ملی؛
- شکل‌گیری خودآگاهی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی.

۳) ماحصل پژوهش آقای محمد رهبری نیز در مقاله با عنوان «تحلیل ریشه‌های اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ بر اساس اطللس جغرافیایی اعتراضات» منتشرشده در نشریه دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۱۲۸، آذر ۱۴۰۱ بدین شرح است: کاهش درآمدهای مردم و ریزش طبقه متوسط و افزایش جمعیت فقیر طی سال‌های منتهی به اعتراضات ۱۴۰۱ منجر به

شکل‌گیری نوعی محرومیت نسبی از نوع کاهشی شده است. شرایط اقتصادی و مؤلفه محرومیت نسبی نزولی را بی‌شک باید در شکل‌گیری اعتراضات ۱۴۰۱ لحاظ کرد؛ اما برابر تحلیل اعتراضات ۱۴۰۱ بر اساس اطلس جغرافیایی، در محروم‌ترین استان‌های ایران (ایلام، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و...) کم‌ترین میزان اعتراضات رخ داده است؛ این امر نشان می‌دهد اعتراضات را نباید صرفاً به عوامل اقتصادی و محرومیت‌های ناشی از آن تقلیل داد. با توجه به ماهیت جنبش «زن، زندگی، آزادی» و شهرها و استان‌های درگیر در آن، باید عوامل اقتصادی و فرهنگی و دغدغه سبک زندگی را به عنوان عوامل محرک اعتراضات در کنار هم دید. در تحلیل و تبیین علل این اعتراضات باید نوعی ناامیدی سیاسی که منجر به مشروعیت بخشی به اعتراض خیابانی شده است را نیز مدنظر داشت.

مبانی نظری و مفاهیم

ناآرامی^۱

ناآرامی مدنی که به عنوان آشفتگی مدنی، ناهنجاری مدنی یا ناآرامی اجتماعی نیز شناخته می‌شود، وضعیتی است که از یک اقدام توده‌ای نافرمانی مدنی (مانند تظاهرات، شورش، اعتصاب، یا تجمع غیرقانونی) ناشی می‌شود که در آن مجریان قانونی در حفظ اقتدار خود با مشکل مواجه هستند (راهنمای میدانی ارتش ایالات متحده آمریکا، ۲۰۱۸: ۱۹-۱۵). ناآرامی در قالب آشوب^۲، اعتراض^۳ و... یکی از پدیده‌های رایج در جوامع انسانی است. اما گاهی سطح و عمق این پدیده، شگفتی‌ساز است و می‌تواند موجب تأثیرگذاری عمیق در اجتماعات انسانی، جوامع و کشورها شود (صفایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷).

برانگیختن ناآرامی^۴

این مرحله با رخداد‌های محرک آغاز می‌شود که غالباً ناشی از احساس محرومیت، ناعدالتی اجتماعی یا شوک‌های ناگهانی نظیر بحران اقتصادی یا تصمیمات سیاسی است. چنین عواملی باعث می‌شوند افراد برای بسیج اولیه و سازمان‌دهی کنش جمعی تحریک شوند (Tilly, 2004: 89).

1. Unrest

2. Turmoil

3. Confusion

4. Initiation unrest

رسانه^۱

رسانه به مجموعه‌ای از ابزارها و فناوری‌ها اطلاق می‌شود که برای انتقال اطلاعات، اخبار، سرگرمی و محتوا به مخاطبان استفاده می‌شود. این ابزارها می‌توانند شامل رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها و مجلات، همچنین رسانه‌های دیجیتال و اینترنتی مانند وبسایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های موبایل باشند (McQuail, 2010: 14).

کارکرد رسانه‌ها و اقتدارطلبی رسانه‌ای غرب

هرچند کارکرد اولیه رسانه‌ها اطلاع‌رسانی است و باید بر مبنای حقوق و آزادی برای مردم اطلاع‌رسانی کنند، اما در خیلی مواقع به جای اطلاع‌رسانی شفاف، خوراک خبری به صورت دیگری به دست جهان سوم می‌رسد. علت اصلی آن هم این است که نیت و مکنونات صاحبان قدرت، شکل دهنده اخبار و رسانه‌ها است. چهار خبرگزاری مهم جهان، فرانس پرس، یونایتد پرس، آسوشیتد پرس و رویترز، ۹۰ درصد اخبار و رویدادها و تحلیل‌ها را در دست دارند که به نوعی در اختیار رابرت مردوخ از باند چهار میلیاردی است. این رسانه‌ها به گونه‌ای عمل می‌کنند که کشتار مردم عراق توسط آمریکا را در راستای آزادی قلمداد می‌کند یا کمک انسان دوستانه ایران اسلامی به فلسطین به عنوان تروریسم و... تلقی می‌شود و همه نیز آن را باور می‌کنند! در دنیای فناوری‌های نوین ارتباطی-اطلاعاتی حاضر، رسانه‌ها حاکمیت تصاویر را در اذهان شکل می‌دهند و به تعبیر بودریا: «غیرواقعی جای واقعیت می‌نشیند و واقعیت کنار زده می‌شود». این کار حتی در حوزه اطلاعات علمی هم روی می‌دهد و اطلاعات مسيرمند، جهت‌دار و گزینشی و در مواردی بی‌خاصیت تحویل کشورهای جهان سوم می‌شود. اساساً اقتدارطلبی فرهنگی غرب بر مباحث علمی مبتنی است و برای خود برتری علمی قائل هستند و بر همین اساس اقتدارطلبی فرهنگی نیز شکل می‌گیرد (کیقبادی، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

مالکیت و انحصار رسانه‌ای

تسلط بر رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های نوین، همواره به مثابه یک راهبرد اصلی و اساسی در استراتژی غرب، خصوصاً آمریکا مطرح بوده است. این استراتژی طی سالیان گذشته و

هم‌اکنون از طریق مالکیت و انحصار رسانه‌ای پی‌گیری شده است. این موضوع را که غرب چگونه اقتدارطلبی و سلطه خود را بر جهان تحکیم و جاری می‌کند، باید در امپریالیسم فرهنگی^۱ و رسانه‌ای جست‌وجو کرد؛ اما این مسئله را که امپریالیسم فرهنگی و رسانه‌ای چگونه عمل کرده است باید در نامتوازن بودن جریان اطلاعات و اخبار و یا دقیق‌تر جریان یک سویه اطلاعات غرب جست‌وجو کرد و به همین علت، غرب برای کنترل و انحصار بر رسانه‌ها و جریان تولید و انتشار اطلاعات و اخبار تلاش می‌کند. امروز پنجاه شرکت بزرگ، بخش اعظم شمارگان روزنامه و بخش اعظم فروش و مخاطبان مجلات، رسانه‌های صوتی و تصویری، کتاب‌ها و فیلم‌های سینمایی را در مالکیت خود دارند که می‌توان پنجاه مرد و زنی را که در رأس این شرکت‌ها قرار دارند در یک اتاق بزرگ جای داد. این عده یک وزارتخانه خصوصی جدید از اطلاعات و فرهنگ را تشکیل می‌دهند. وابستگی غالب رسانه‌های آمریکا به صهیونیست‌ها در رفتار خبری و اطلاع‌رسانی این رسانه‌ها مشهود است. بررسی مالکان رسانه‌ها نشان می‌دهد که بیشتر رسانه‌های آمریکا در اختیار صهیونیست‌هاست (ساری، ۱۳۸۸: ۴۴).

امپریالیسم رسانه‌ای^۲

تقریباً کلیه تحقیقات در مورد جریان تولید و انتشار اطلاعات و اخبار، نشان‌دهنده آن است که جریان بین‌المللی خبری و رسانه‌ای زیر سلطه معدودی از کشورهای غربی و آژانس‌های خبری و غول‌های رسانه‌ای آنان است (کیونگ‌مو، ۱۳۸۴: ۸). تمامی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و کابلی آمریکا تقریباً به وسیله شش غول رسانه‌ای اداره می‌شوند و با توجه به این که این رسانه‌های آمریکایی مخاطبان زیادی در سراسر جهان دارند و در واقع تمامی اخبار اطلاعات و برنامه‌های سرگرم‌کننده مردم جهان از طریق این رسانه‌های انحصاری تأمین می‌شود، می‌توان اذعان داشت که این غول‌های رسانه‌ای بر تمامی جهان مسلط هستند. شش ابررسانه آمریکایی، جریان اصلی رسانه‌ها در جهان را در دست دارند و هدف اولیه آن‌ها نیز سلطه جویی سیاسی-اقتصادی است و نه اطلاع‌رسانی. این ابررسانه‌ها که هرکدام دارای شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی، ماهواره‌ای

1. Cultural imperialism

2. Media imperialism

و... هستند به اشکال گوناگون تحت سلطه صهیونیست‌ها قرار دارند و در جهت پیشبرد اهداف صهیونیسم فعالیت می‌کنند (جوانی، ۱۳۹۸: ۲۸۷).

با وجود ده‌ها شبکه فارسی‌زبان که همه روایت‌هایی مبتنی بر ایده‌های مسلط غرب از همه چیز، اعم از خبر تا تفریح و سرگرمی و سبک زندگی ارائه می‌دهند، یک محاصره رسانه‌ای و خبری برای ما ایجاد کرده است و تلاش می‌کند تا به انسان ایرانی بگوید که درباره چه چیزهایی باید بیندیشد و چگونه در مورد آن‌ها قضاوت کند (همان: ۲۲). این همان «امپریالیسم رسانه‌ای» و یا کامل‌تر، «امپریالیسم انحصار رسانه‌ای» است. امپریالیسم رسانه‌ای در واقع انتقال جهان‌بینی یک ملت یا کشور از طریق رسانه‌هاست (مک کوئین، ۱۳۸۴: ۳۶۳).

جنگ رسانه‌ای

کالینز، تئوریسین دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ رسانه‌ای را عبارت از «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود»، می‌داند. ارتش ایالات متحده آمریکا در آیین رزمی خود، جنگ رسانه‌ای را بدین صورت تعریف نموده است: «جنگ رسانه‌ای، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن به منظور تأثیرگذاری بر عقاید، سیاست، احساسات، تمایلات، رفتار و مختصات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی می‌شود.» (گروه مؤلفین مر.آ. شهید صیاد شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۵).

هدف جنگ رسانه‌ای، اگرچه در نهایت تغییر کارکرد و عملکرد دولت‌ها است، اما به طور ملموسی به جای هدف قراردادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها را هدف بمباران خود قرار می‌دهد (آزادی‌خواه، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

جنگ رسانه‌ای به کارکردهای مختلفی اشاره دارد که در آن رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و شکل‌دهی به روایت‌ها در زمان بحران یا درگیری‌ها عمل می‌کنند.

شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان ماهواره‌ای

منظور از تلویزیون‌های فارسی‌زبان، شبکه‌های تلویزیونی هستند که کلیه محتوای آن‌ها به زبان فارسی پخش می‌شوند. این شبکه‌ها روی دو ماهواره تله‌استار ۱۲ و هات‌برد قرار دارند. شبکه‌های روی ماهواره هات‌برد بیشتر غیرسیاسی محسوب می‌شوند و شبکه‌های فارسی‌زبان جمهوری اسلامی ایران مانند: جام جم، العالم، پرس تی وی و... نیز روی آن فعال هستند (حبیبیان، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

نقش رسانه‌ها در برانگیختن ناآرامی‌ها

رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در برانگیختن ناآرامی‌ها و تحولات اجتماعی دارند. آن‌ها می‌توانند به عنوان یک ابزار برای اطلاع‌رسانی، بسیج اجتماعی و حتی تحریک ناآرامی‌ها عمل کنند.

یکی از جنبه‌های کلیدی نقش رسانه‌ها در ناآرامی‌ها، توانایی آن‌ها در شکل‌دهی به روایت‌ها و تصورات عمومی است. رسانه‌ها می‌توانند با پوشش خبری خاص، احساسات عمومی را تحت تأثیر قرار دهند و به ایجاد یا تشدید نارضایتی‌ها کمک کنند. به عنوان مثال، در تحقیقات انجام‌شده توسط «گیدنز» (Giddens, 1991: 94) و «بورديو» (Bourdieu, 1998: 32)، تأکید شده است که رسانه‌ها می‌توانند به عنوان یک میدان قدرت عمل کنند که در آن منافع مختلف به رقابت می‌پردازند و این رقابت می‌تواند به ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود.

علاوه بر این، رسانه‌های اجتماعی؛ به‌ویژه در دهه‌های اخیر، نقش مهمی در تسهیل ارتباطات و سازمان‌دهی اعتراضات ایفا کرده‌اند. به عنوان مثال، در جریان بهار عربی، رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری برای بسیج مردم و انتشار اطلاعات در مورد ناآرامی‌ها عمل کردند (Howard & Hussain, 2011: 35-48). این رسانه‌ها به افراد این امکان را دادند که به سرعت اطلاعات را به اشتراک بگذارند و به یکدیگر متصل شوند که این امر می‌تواند به تشدید ناآرامی‌ها منجر شود.

درنهایت، می‌توان گفت که رسانه‌ها با ایجاد فضایی برای بیان نارضایتی‌ها و انتقادات و همچنین با شکل‌دهی به روایت‌های عمومی، می‌توانند به طور مستقیم و غیرمستقیم در برانگیختن ناآرامی‌ها نقش داشته باشند.

نقش شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در ناآرامی‌های ایران

در چند سال اخیر، جامعه ایران شاهد وقوع ده‌ها حادثه کوچک و بزرگ بوده است که همواره با بازتاب گسترده در رسانه‌ها، افکار عمومی را متأثر ساخته و حتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم، تهدیدی برای امنیت ملی بوده‌اند. از میان این وقایع می‌توان به انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری، ناامنی‌های خوزستان و آذربایجان و حادثه کوی دانشگاه تهران، [ناآرامی‌های سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱] اشاره نمود که بنا بر عللی همچون: آثار و پیامدهای گسترده، تداوم زمانی، جلب بیش از اندازه افکار عمومی و تهدید امنیت ملی، بیش از سایر موارد مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این حوادث، شبکه‌های ماهواره‌ای تلاش به عمل آوردند تا با ایجاد ناامنی تحرکات ضدامنیتی را در ایران دامن بزنند. مدیران و مجریان این شبکه‌ها تلاش نمودند با تحریک اقشار و اقوام مختلف نظیر: دانشجویان، کارگران، معلمان، گردها، آذری‌ها، اعراب، بلوچ‌ها و... حرکت‌ها و آشوب‌های گفته شده را اقدامی نظیر انتفاضه نشان دهند. این شبکه‌ها با به خطر انداختن تمامیت ارضی ج.ا. ایران، به تحرکات قومی دامن زده و به ویژه بر مناطق فقیرنشین و حواشی مرزها که محروم‌های اجتماعی بیشتر است، تمرکز نموده و ضمن هدایت آشوبگران، ارتباط آنان با یکدیگر را برقرار می‌ساختند (حبیبیان، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

شبکه ایران اینترنشنال^۱

محمد بن سلمان در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ گفت: «هدف اصلی نظام ایران اسلامی رسیدن به قبله مسلمانان است. ما منتظر نمی‌مانیم که عربستان میدان جنگ شود، بلکه تلاش می‌کنیم نبرد را به درون ایران بکشانیم». دو هفته بعد از اظهار نظر فوق، شبکه ایران اینترنشنال در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶، از ۷ شب (به وقت تهران)، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در ایران، پخش برنامه‌های خود را از طریق چند ماهواره، فعالیت خود را به صورت زنده آغاز کرد. این شبکه جزئی ضروری از برنامه محمد بن سلمان در اتخاذ رویکردی خصومت‌ورزانه علیه ایران است. امتیاز شبکه ایران اینترنشنال متعلق به یک شرکت فراملی به نام Global Media Circulating است که عادل عبدالکریم اهل عربستان، مالک آن و سرمایه‌گذاران این شبکه، تبعه عربستان سعودی هستند. مسئله

1. Iran International satellite TV network

بودجه این شبکه از ابتدا محل تأمل بوده است. روزنامه‌گاردین بر این مسئله تصریح دارد که بودجه این شبکه رقمی بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار است که توسط دربار عربستان سعودی تأمین شده است و حداقل تا پنج سال نیازی به تأمین اعتبار مجدد ندارد. با توجه به اینکه در این شبکه ماهواره‌ای به ظاهر خصوصی، هیچ تبلیغات و فعالیت اقتصادی صورت نمی‌گیرد، کاملاً هویدا است که اهداف سیاسی دنبال می‌شود (برخی، ۱۳۹۹: ۴۷-۱۶).

از زمان تأسیس، ایران اینترنشنال به دلیل رویکرد انتقادی خود نسبت به حکومت ایران و پوشش گسترده‌ای که از ناآرامی‌ها و مسائل اجتماعی ارائه می‌دهد، مورد توجه قرار گرفته است. این شبکه به ویژه در زمان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ ایران، نقش مهمی در اطلاع‌رسانی و تحلیل وضعیت ایفا کرد و به عنوان یک منبع خبری معتبر برای بسیاری از ایرانیان و ناظران بین‌المللی شناخته شد (Mansell, 2020: 53).

ایران اینترنشنال همچنین به دلیل استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، توانسته است به سرعت به مخاطبان خود دسترسی پیدا کند و با ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر، به تقویت آگاهی عمومی کمک کند (Smith, 2021: 33).

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توسعه‌ای و کاربردی است و به روش تحلیل محتوا انجام شده است. تحلیل محتوا، یعنی بررسی عمیق داده‌های جمع‌آوری شده که در تمامی علوم انسانی حتی در ادبیات نیز کاربرد داشته، می‌تواند رابطه متغیرها و شبکه ارتباطات را نه در سطح بلکه در عمق مشاهده و بررسی کند. (باردن، ۱۳۷۵: ۲۶).

تحلیل محتوا، روشی سامانمند برای بررسی و اندازه‌گیری ویژگی‌های خاص داده‌ها است. این روش به پژوهشگران امکان می‌دهد تا الگوها و روندهای قابل اندازه‌گیری را در متون، تصاویر و دیگر اشکال داده‌ها شناسایی کنند. از مزایای این روش می‌توان به قابلیت تکرارپذیری، تحلیل داده‌های بزرگ و ارائه نتایج عددی اشاره کرد. همچنین، تحلیل محتوای کمی می‌تواند به شناسایی روابط بین متغیرها و آزمون فرضیات کمک کند (Neuendorf, 2017: 36).

در این مقاله، تعداد ۱۸ قسمت برنامه تحلیلی و گفت‌وگومحور «چشم‌انداز» که از تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ تا ۱۴۰۱/۰۶/۲۶ از شبکه ماهواره‌ای ایران اینترنشنال پخش شده، به عنوان حجم نمونه این پژوهش محسوب گردیده، مورد بررسی و تحلیل محتوا قرار گرفته است.

روایی یا اعتبار در این پژوهش به معنای صحت و دقت ابزار و روش‌های مورد استفاده برای تحلیل محتوای برنامه «چشم‌انداز» شبکه ایران اینترنشنال است. برای اطمینان از روایی، اقدامات زیر انجام شده است:

روایی محتوا: ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها با توجه به اهداف پژوهش و مرور پیشینه مطالعات مشابه طراحی شده‌اند. همچنین، از نظرات استادان و صاحب‌نظران برای تطابق ابزارها با مفاهیم مورد بررسی استفاده شده است.

روایی سازه^۲: مفاهیم کلیدی به صورت دقیق تعریف و بر اساس نظریه‌های معتبر در حوزه امنیت و رسانه تحلیل شده‌اند.

روایی ظاهری^۳: ابزارها و روش‌های پژوهش از نظر ظاهری و منطقی توسط کارشناسان تأیید شده‌اند تا اطمینان حاصل شود که پرسش‌ها و روش‌ها به خوبی مفاهیم مورد نظر را پوشش می‌دهند.

اخذ نظر خبرگان: در فرآیند کدگذاری باز و محوری، از متخصصان حوزه رسانه و امنیت درخواست نظر شد تا دقت در تعریف و دسته‌بندی کدها و مقوله‌ها تضمین شود.

پایایی یا قابلیت اطمینان به معنای ثبات و تکرارپذیری نتایج پژوهش در صورت استفاده مجدد از همان روش‌ها و ابزارها است. برای اطمینان از پایایی پژوهش، موارد زیر مدنظر قرار گرفته است:

۱. استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی: برای اطمینان از دقت و نظم در تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار تحلیل MaxQDA استفاده شده که به کاهش خطاهای انسانی کمک کرده است.

۲. اخذ بازخورد از خبرگان: نتایج کدگذاری و مقوله‌بندی‌ها برای بررسی پایایی به متخصصان حوزه رسانه و امنیت ارائه شده و بازخوردهای آن‌ها در جهت بهبود و اطمینان

1. Content Validity
2. Construct Validity
3. Face Validity

از تکرارپذیری نتایج اعمال گردید که رویکرد علمی پژوهش را تقویت کرده و به آن اعتبار بیشتری بخشیده است.

۳. پایایی درون^۱: روابط بین مقوله‌های استخراج شده بررسی شده و انسجام آن‌ها در چارچوب نظری پژوهش تأیید شده است.

۴. آزمون تکرارپذیری^۲: بخشی از داده‌ها چندین بار توسط محقق، کدگذاری شده و نتایج مشابهی به دست آمده است.

۵. پایایی بین کدگذاران^۳: تحلیل داده‌ها توسط دو کدگذار مجزا انجام شد و میزان توافق بین آن‌ها از طریق شاخص هالستی بررسی و با کسب عدد ۰/۷ به عنوان ضریب پایایی هالستی، پایایی پژوهش تأیید گردید.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، محقق برای انجام تحلیل محتوا متغیرهای کیفی موجود در ۱۸ قسمت از برنامه‌های مورد مطالعه پخش شده از تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ تا ۱۴۰۱/۰۶/۲۶ را به متغیرهای کمی تبدیل کرده است؛ به نحوی که با بهره‌گیری از امکانات نرم افزار MaxQDA، تعداد تکرار کدها در هر برنامه را به دست آورده و پس از استخراج جداول فراوانی‌ها، اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، ضمن استعانت از نظریه‌ها و تعاریف، فراوانی‌ها و نسبت‌ها با یکدیگر مقایسه و نتیجه‌گیری شده است.

در ادامه تحلیل داده‌ها و اطلاعات نرم افزار MaxQDA، کلیدواژه‌های به دست آمده از خروجی نرم افزار، کدگذاری و از طریق خبرگان مورد کدگذاری به شرح جدول شماره ۲ با درج فراوانی قرار گرفت.

جدول شماره ۱: فراوانی مؤلفه‌های مؤثر بر براونگیتن ناآرامی

کد	شرح کد	فراوانی	درصد فراوانی	رتبه‌بندی
A1	برجسته‌سازی مسائل، مشکلات، معضل‌ها و بحران‌ها	۲۶۰	٪۹٫۵۲	۴
A2	پوشش خبری خاص	۲۴۷	٪۹٫۰۴	۵

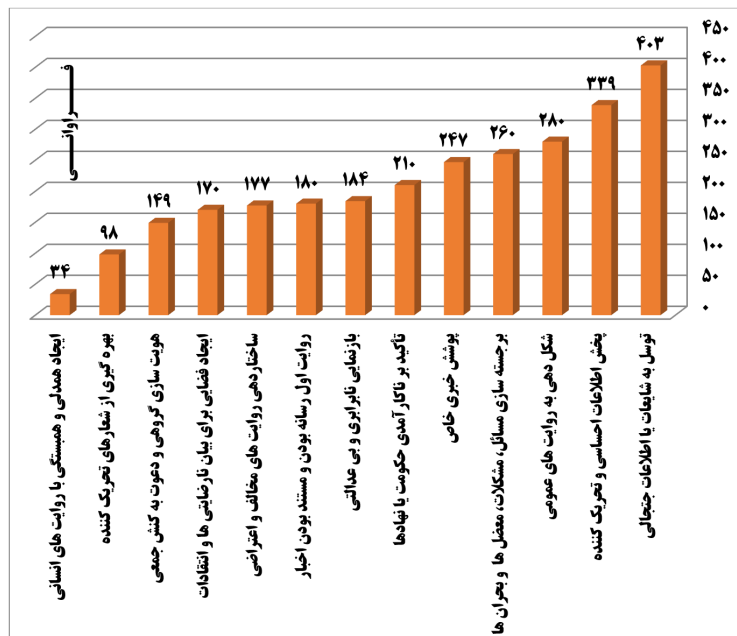
1. Internal Consistency
2. Test-Retest
3. Inter-Coder Reliability

کد	شرح کد	فراوانی	درصد فراوانی	رتبه‌بندی
A3	شکل دهی به روایت‌های عمومی	۲۸۰	۱۰/۲۵٪	۳
A4	ایجاد فضایی برای بیان نارضایتی‌ها و انتقادات	۱۷۰	۶/۲۲٪	۱۰
A5	توسل به شایعات یا اطلاعات جنجالی	۴۰۳	۱۴/۷۶٪	۱
A6	هویت‌سازی گروهی و دعوت به کنش جمعی	۱۴۹	۵/۴۶٪	۱۱
A7	بهره‌گیری از شعارهای تحریک‌کننده	۹۸	۳/۵۹٪	۱۲
A8	تأکید بر ناکارآمدی حکومت یا نهادها	۲۱۰	۷/۶۹٪	۶
A9	ساختاردهی روایت‌های مخالف و اعتراضی	۱۷۷	۶/۴۸٪	۹
A10	ایجاد همدلی و همبستگی با روایت‌های انسانی	۳۴	۱/۲۴٪	۱۳
A11	بازنمایی نابرابری و بی‌عدالتی	۱۸۴	۶/۷۴٪	۷
A12	پخش اطلاعات احساسی و تحریک‌کننده	۳۳۹	۱۲/۴۱٪	۲
A13	روایت اول رسانه بودن و مستند بودن اخبار	۱۸۰	۶/۵۹٪	۸

در تحلیل داده‌های احصاء شده از نرم‌افزار MaxQDA اولویت‌بندی و درصد فراوانی مؤلفه‌های مؤثر بر برانگیختن ناآرامی به شرح زیر تبیین گردیده است:

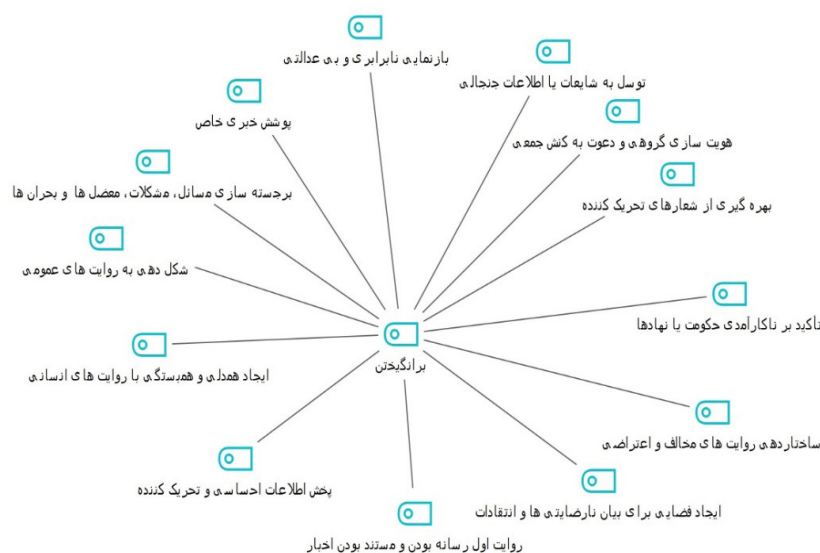
توسل به شایعات یا اطلاعات جنجالی با ۱۴/۷۶ درصد، پخش اطلاعات احساسی و تحریک‌کننده با ۱۲/۴۱ درصد، شکل دهی به روایت‌های عمومی با ۱۰/۲۵ درصد، برجسته‌سازی مسائل، مشکلات، معضله‌ها و بحران‌ها با ۹/۵۲ درصد، پوشش خبری خاص با ۹/۰۴ درصد، تأکید بر ناکارآمدی حکومت یا نهادها با ۷/۶۹ درصد، بازنمایی نابرابری و بی‌عدالتی با ۶/۷۴ درصد، روایت اول رسانه بودن و مستند بودن اخبار با ۶/۵۹ درصد، ساختاردهی روایت‌های مخالف و اعتراضی با ۶/۴۸ درصد، ایجاد فضایی برای بیان نارضایتی‌ها و انتقادات با ۶/۲۲ درصد، هویت‌سازی گروهی و دعوت به کنش جمعی با ۵/۴۶ درصد، بهره‌گیری از شعارهای تحریک‌کننده با ۳/۵۹ درصد و ایجاد همدلی و همبستگی با روایت‌های انسانی با ۱/۲۴ درصد.

نمودار شماره ۱: رتبه‌بندی مؤلفه‌های مؤثر در برانگیختن ناآرامی



با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA، نمودار ارتباطی مؤلفه‌های مؤثر در مرحله برانگیختن در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ طراحی و خروجی آن به شرح نمودار شماره ۲ قابل مشاهده است.

نمودار شماره ۲: مؤلفه‌های مؤثر در برانگیختن ناآرامی

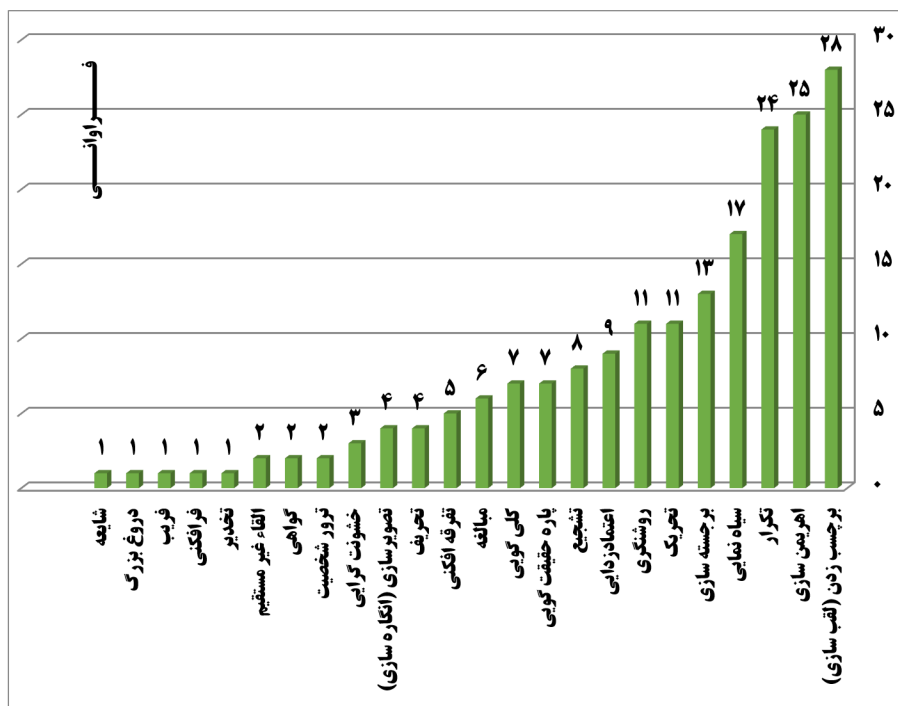


با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA، تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای به کار گرفته شده توسط شبکه ماهواره‌ای ایران اینترنشنال در برانگیختن ناآرامی‌های ۱۴۰۱ احصاء و فراوانی آن‌ها به شرح جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۲: فراوانی تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای در مرحله برانگیختن ناآرامی‌های ۱۴۰۱

رتبه‌بندی	درصد فراوانی	فراوانی	تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای
۲۰	٪۰٫۵۲	۱	تخدير
۹	٪۴٫۱۵	۸	تشجيع
۱۴	٪۲٫۰۷	۴	تحريف
۲۱	٪۰٫۵۲	۱	فرافكنی
۶	٪۵٫۷۰	۱۱	تحريك
۲۲	٪۰٫۵۲	۱	فريب
۱۳	٪۲٫۵۹	۵	تفرقه‌افكنی
۳	٪۱۲٫۴۴	۲۴	تكرار
۵	٪۶٫۷۴	۱۳	برجسته‌سازی
۱۵	٪۲٫۰۷	۴	تصويرسازی (انگاره‌سازی)
۱	٪۱۴٫۵۱	۲۸	برچسب‌زدن (لقب‌سازی)
۲۳	٪۰٫۵۲	۱	دروغ بزرگ
۱۲	٪۳٫۱۱	۶	مبالغه
۲	٪۱۲٫۹۵	۲۵	اهريمن‌سازی
۱۰	٪۳٫۶۳	۷	پاره حقيقت‌گویی
۱۷	٪۱٫۰۴	۲	ترور شخصيت
۱۶	٪۱٫۵۵	۳	خشونت‌گرایی
۱۸	٪۱٫۰۴	۲	گواهی
۲۴	٪۰٫۵۲	۱	شايعه
۱۹	٪۱٫۰۴	۲	القای غيرمستقيم
۷	٪۵٫۷۰	۱۱	روشن‌نگری

رتبه‌بندی	درصد فراوانی	فراوانی	تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای
۱۱	۳,۶۳٪	۷	کلی‌گویی
۸	۴,۶۶٪	۹	اعتمادزدایی
۴	۸,۸۱٪	۱۷	سیاه‌نمایی



نمودار شماره ۳: تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای در مرحله برانگیختن ناآرامی‌های ۱۴۰۱

تکنیک‌های مورد استفاده شبکه ایران اینترنشنال در برانگیختن ناآرامی‌های ۱۴۰۱ به ترتیب اولویت، بدین شرح هستند:

تکنیک برجسب‌زدن (لقب‌سازی) با ۱۴/۵۱ درصد، تکنیک اهریمن‌سازی با ۱۲/۹۵ درصد، تکنیک تکرار با ۱۲/۴۴ درصد، تکنیک سیاه‌نمایی با ۸/۸۱ درصد، تکنیک برجسته‌سازی با ۶/۷۴ درصد، تکنیک تحریک با ۵/۷ درصد، تکنیک روشنگری با ۵/۷ درصد، تکنیک اعتمادزدایی با ۴/۶۶ درصد، تکنیک تشجیع با ۴/۱۵ درصد، تکنیک پاره حقیقت‌گویی با ۳/۶۳ درصد، تکنیک کلی‌گویی با ۳/۶۳ درصد، تکنیک مبالغه با

۳/۱۱ درصد، تکنیک تفرقه‌افکنی با ۲/۵۹ درصد، تکنیک تحریف با ۲/۰۷ درصد، تکنیک تصویرسازی (انگاره‌سازی) با ۲/۰۷ درصد، تکنیک خشونت‌گرایی با ۱/۵۵ درصد، تکنیک ترور شخصیت با ۱/۰۴ درصد، تکنیک گواهی با ۱/۰۴ درصد، تکنیک القاء غیرمستقیم با ۱/۰۴ درصد، تکنیک تخدیر با ۰/۵۲ درصد، تکنیک فرافکنی با ۰/۵۲ درصد، تکنیک فریب با ۰/۵۲ درصد، تکنیک دروغ بزرگ با ۰/۵۲ درصد، تکنیک شایعه با ۰/۵۲ درصد.

نتایج و بحث روی نتایج

شیوه و شگرد و مؤلفه‌های مؤثر به‌کاررفته از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در برانگیختن ناآرامی‌ها به شرح زیر احصاء گردیده است:

در برنامه چشم‌انداز شبکه ایران اینترنشنال تکنیک‌های برجسب‌زدن (لقب‌سازی)، اهریمن‌سازی، تکرار، سیاه‌نمایی، برجسته‌سازی، تحریک، روشنگری، اعتمادزدایی، تشجیع، پاره‌حقیقت‌گویی، کلی‌گویی، مبالغه، تفرقه‌افکنی، تحریف، تصویرسازی (انگاره‌سازی)، خشونت‌گرایی، ترور شخصیت، گواهی، القاء غیرمستقیم، تخدیر، فرافکنی، فریب، دروغ بزرگ و شایعه برای پیشبرد اهداف جنگ رسانه‌ای استفاده شده است.

در تحلیل داده‌های احصاء شده از نرم‌افزار MaxQDA اولویت‌بندی و درصد فراوانی تکنیک‌ها به شرح زیر تبیین گردیده است:

تکنیک برجسب‌زدن (لقب‌سازی) با ۱۴/۵۱ درصد، تکنیک اهریمن‌سازی با ۱۲/۹۵ درصد، تکنیک تکرار با ۱۲/۴۴ درصد، تکنیک سیاه‌نمایی با ۸/۸۱ درصد، تکنیک برجسته‌سازی با ۶/۷۴ درصد، تکنیک تحریک با ۵/۷ درصد، تکنیک روشنگری با ۵/۷ درصد، تکنیک اعتمادزدایی با ۴/۶۶ درصد، تکنیک تشجیع با ۴/۱۵ درصد، تکنیک پاره‌حقیقت‌گویی با ۳/۶۳ درصد، تکنیک کلی‌گویی با ۳/۶۳ درصد، تکنیک مبالغه با ۳/۱۱ درصد، تکنیک تفرقه‌افکنی با ۲/۵۹ درصد، تکنیک تحریف با ۲/۰۷ درصد، تکنیک تصویرسازی (انگاره‌سازی) با ۲/۰۷ درصد، تکنیک خشونت‌گرایی با ۱/۵۵ درصد، تکنیک ترور شخصیت با ۱/۰۴ درصد، تکنیک گواهی با ۱/۰۴ درصد، تکنیک القاء غیرمستقیم با ۱/۰۴ درصد، تکنیک تخدیر با ۰/۵۲ درصد، تکنیک فرافکنی با ۰/۵۲ درصد، تکنیک فریب با ۰/۵۲ درصد، تکنیک دروغ بزرگ با ۰/۵۲ درصد، تکنیک شایعه با ۰/۵۲ درصد.

در این بین اهم مؤلفه‌های مؤثر در برانگیختن ناآرامی به ترتیب اولویت و درصد فراوانی به شرح زیر احصاء شده که مؤید صحت فرضیه پژوهش است:

توسل به شایعات یا اطلاعات جنجالی با ۱۴/۷۶ درصد، پخش اطلاعات احساسی و تحریک‌کننده با ۱۲/۴۱ درصد، شکل‌دهی به روایت‌های عمومی با ۱۰/۲۵ درصد، برجسته‌سازی مسائل، مشکلات، معضله‌ها و بحران‌ها با ۹/۵۲ درصد، پوشش خبری خاص با ۹/۰۴ درصد، تأکید بر ناکارآمدی حکومت یا نهادها با ۷/۶۹ درصد، بازنمایی نابرابری و بی‌عدالتی با ۶/۷۴ درصد، روایت اول رسانه بودن و مستند بودن اخبار با ۶/۵۹ درصد، ساختاردهی روایت‌های مخالف و اعتراضی با ۶/۴۸ درصد، ایجاد فضایی برای بیان نارضایتی‌ها و انتقادات با ۶/۲۲ درصد، هویت‌سازی گروهی و دعوت به کنش جمعی با ۵/۴۶ درصد، بهره‌گیری از شعارهای تحریک‌کننده با ۳/۵۹ درصد و ایجاد همدلی و همبستگی با روایت‌های انسانی با ۱/۲۴ درصد.

پیشنهادهای اجرایی

برای مقابله با تکنیک‌های رسانه‌ای که در برنامه‌هایی نظیر چشم‌انداز شبکه ایران اینترنشنال به کار گرفته می‌شوند، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مجموعه‌ای از راهبردهای زیر را در پیش بگیرد. این راهبردها باید به گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها تأثیر این اقدامات را کاهش دهند، بلکه اعتماد عمومی را به رسانه‌های داخلی افزایش دهند و روایت‌های متعادل و مستند را جایگزین روایت‌های تحریف‌شده کنند:

۱) تقویت رسانه‌های داخلی

- شفافیت اطلاعات: رسانه‌های داخلی باید اطلاعات معتبر و شفاف ارائه دهند تا مخاطبان نیازی به مراجعه به منابع خارجی نداشته باشند.
- روایت اول در ارائه اخبار: انتشار اخبار، وقایع و حوادث به صورت دقیق و دست اول برای مقابله با عملیات روانی و جنگ رسانه‌ای دشمن.
- سرعت عمل در خبررسانی: ارائه سریع اخبار با پوشش متوازن و تحلیل‌های قوی می‌تواند مانع گسترش روایت‌های یک‌طرفه شود.

- تشکیل شورای رسانه و مردم: با تشکیل شوراهایی که شامل نمایندگان مردم، معترضین و رسانه‌ها باشد، می‌توان راهکارهای عملی برای انتقال خواسته‌ها به مسئولین و بالعکس ایجاد کرد.
 - ایجاد برنامه‌های گفت‌وگومحور: حضور کارشناسان بی‌طرف و تحلیل‌گرانی که مسائل را از زوایای مختلف بررسی کنند، اعتماد مخاطبان را جلب خواهد کرد.
 - پرهیز از سانسور و انکار مطالبات: حذف یا نادیده گرفتن مطالبات معترضین در رسانه‌ها می‌تواند باعث سرخوردگی و بروز ناآرامی گردد.
- ۲) ارتقای سواد رسانه‌ای عمومی
- آموزش تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای: مردم باید نسبت به تکنیک‌های رسانه‌ای مانند برچسب‌زنی، اهریمن‌سازی و تحریف، آگاهی یابند تا تأثیرگذاری این روش‌ها کاهش یابد.
 - آموزش تفکر انتقادی: ترویج مهارت‌های تحلیل انتقادی در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها کمک می‌کند مخاطبان به جای پذیرش کورکورانه اطلاعات، آن‌ها را ارزیابی کنند.
- ۳) بهبود کارآمدی نظام حکمرانی
- رفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی: رسانه‌های معاند با برجسته‌سازی مشکلات، بهره‌برداری می‌کنند. حل مسائل داخلی، مشروعیت حکومت را تقویت کرده و فضا را برای سوءاستفاده رسانه‌ای کاهش می‌دهد.
 - ارتقاء پاسخگویی مسئولان: شفافیت و تعامل مستقیم مسئولان با مردم می‌تواند روایت‌های جعلی یا تحریف‌شده را خنثی کند.
- ۴) تقویت روزنامه‌نگاری شهروندی
- شفافیت در ارائه اطلاعات و گزارش‌ها درباره وقایع و اعتراضات می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند و از انتشار اطلاعات نادرست جلوگیری کند.
- ۵) توسعه دیپلماسی رسانه‌ای
- راه‌اندازی رسانه‌های چندزبانه: ایجاد رسانه‌هایی که روایت رسمی جمهوری اسلامی ایران را به مخاطبان جهانی ارائه دهند.

- همکاری با رسانه‌های مستقل و بی‌طرف: استفاده از بستر رسانه‌های بین‌المللی بی‌طرف برای انتشار دیدگاه‌های رسمی می‌تواند تأثیر تبلیغات منفی را کاهش دهد.
- ۶) مدیریت بحران رسانه‌ای
- پاسخ سریع به شایعات: ایجاد گروه‌های متخصص برای رصد و پاسخ به شایعات در فضای مجازی.
- افزایش شفافیت در مواجهه با بحران‌ها: انتشار سریع اطلاعات دقیق و شفاف، مانع از گسترش اخبار جعلی می‌شود.
- ۷) تقویت هویت ملی و دینی
- ایجاد حس همبستگی اجتماعی: از طریق برنامه‌های فرهنگی و هنری که به تقویت هویت ملی و دینی می‌پردازند، می‌توان به مقابله با تفرقه‌افکنی و تحریک پرداخت.
- ترویج ارزش‌های مشترک: تأکید بر ارزش‌هایی که مورد پذیرش همه اقشار جامعه است، می‌تواند انسجام اجتماعی را افزایش دهد.
- ۸) حضور مؤثر در فضای مجازی
- تقویت پلتفرم‌های بومی: توسعه و حمایت از شبکه‌های اجتماعی داخلی برای ارائه روایت‌های صحیح و کاهش وابستگی به پلتفرم‌های خارجی.
- استفاده از اینفلوئنسرها: همکاری با افراد مؤثر در فضای مجازی برای گسترش پیام‌های رسمی و مقابله با روایت‌های تحریف‌شده.
- ۹) مقابله حقوقی و دیپلماتیک
- پیگیری حقوقی تبلیغات خصمانه: از طریق نهادهای بین‌المللی، اقدام علیه رسانه‌هایی که به طور علنی به جنگ روانی و تحریف مشغول‌اند.
- رویکرد تعاملی در عرصه بین‌الملل: کاهش تنش‌های دیپلماتیک می‌تواند از شدت تبلیغات منفی علیه جمهوری اسلامی ایران بکاهد.
- ۱۰) تحلیل و پایش مداوم رسانه‌های معاند
- رصد مداوم: تحلیل برنامه‌های رسانه‌های معاند برای شناسایی روندها و تکنیک‌های جدید.

- ایجاد بانک اطلاعاتی: تدوین بانک اطلاعاتی از روش‌ها و تکنیک‌های به‌کاررفته برای مقابله هدفمند و آگاهانه.
- (۱۱) بازنمایی مثبت در داخل و خارج
- ارائه دستاوردها و پیشرفت‌ها: بازنمایی واقع‌بینانه و مثبت از دستاوردهای داخلی در عرصه‌های مختلف می‌تواند بخشی از تبلیغات منفی را خنثی کند.
- ارتباط مؤثر با رسانه‌های داخلی و خارج: برگزاری اجلاس مطبوعاتی و تعامل مستقیم با خبرنگاران مستقل می‌تواند روایت‌های رسمی را تقویت کند.
- (۱۲) گوش دادن به صدای معترضین به صورت غیرقضاوتی
- رسانه‌ها باید به جای ارائه تحلیل‌های یک‌طرفه یا قضاوت، روایت بی‌طرفانه‌ای از خواسته‌ها و نگرانی‌های معترضین ارائه دهند.
- اجرای هماهنگ این راهبردها با همکاری دستگاه‌های مختلف و مشارکت مردم می‌تواند تأثیرگذاری رسانه‌های معاند در برانگیختن ناآرامی را به حداقل برساند.

منابع

۱. آیین‌نامه عملیات روانی ارتش آمریکا (۱۳۸۷)، مترجم: گروه مؤلفین، تهران، انتشارات مرکز آموزش و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
۲. باردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا؛ مترجمان: محمد یمنی دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳. برخی، حسین (۱۳۹۹)، تحلیل تاکتیک‌های عملیات روانی شبکه ایران اینترنشنال در القاء روحیه ناامیدی در جامعه ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران.
۴. حبیبیان، محمدحسن (۱۳۹۱)، نقش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در عملیات روانی آمریکا، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (دعا).
۵. رهبری، محمد (۱۴۰۱)، مقاله «تحلیل ریشه‌های اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ بر اساس اطلس جغرافیایی اعتراضات»، مندرج در نشریه دیده‌بان ملی، آذر ۱۴۰۱ - شماره ۱۲۸، صفحات: از ۳۹ تا ۵۲.
۶. صفایی، سیدحسین؛ محقق داماد، سیدمصطفی؛ درویش‌زاده، محمد (۱۴۰۱)، مقاله «مسئله‌یابی حقوقی در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ ایران»، نشریه دانشنامه‌های حقوقی، پاییز ۱۴۰۱، شماره ۱۶، ص ۷ تا ۶۴.
۷. صادقی‌زاده، سلمان (۱۴۰۱)، مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی ناآرامی‌های شهریور و مهر ۱۴۰۱»، نشریه دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۱۲۷.
۸. گنجی، بهرخ و همکاران (۱۴۰۱)، مقاله «تحلیل گفتمان اخبار ایران اینترنشنال درباره اغتشاشات پاییز سال ۱۴۰۱»، نشریه علوم خبری، شماره ۴۱.
9. Bourdieu, P. (1998). **On Television**. New Press
10. Brown, J. (2021). **Media Influence in the Digital Age**. Journal of Communication Studies, 45(2), 123-145.
11. Diamond, L. (1999). ***Developing Democracy: Toward Consolidation***. Johns Hopkins University Press.
12. Doe, J. (2018). **The Power of Media: How Television Shapes Public Opinion**. Media Analysis Journal, 33(1), 67-89.
13. Giddens, A. (1991). **Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age**. Stanford University Press.
14. Howard, P. N. & Hussain, M. M. (2011). **Democracy's Fourth Wave? Information Technologies and the Arab Spring**. Journal of Democracy, 22(4), 35-48.
15. Johnson, L. (2019). **Satellite TV and Social Unrest**. Media and Society Review, 40(3), 456-478.
16. Mansell, R. (2020). ***Communication, Technology and Society: The Case of Iran International***. Oxford: Oxford University Press.
17. Neuendorf, K. A. (2017). ***The Content Analysis Guidebook***. Sage Publications.
18. Piketty, T. (2014) **Capital in the Twenty-First Century**. Harvard University

Press.

19. Smith, A. (2020). **The Role of Satellite Channels in Political Movements**. Global Media Journal, 52(4), 302-325.
20. Smith, J. (2021). ***Media and Politics in the Digital Age: The Case of Iran International***. Los Angeles: International Media.
21. Tilly, C. (2004). **Social Movements, 1768–2004**. Paradigm Publishers.

